

در تابعیت

« ۳ »

باب اول تابعیت در هنگام تولد « N. au moment de la naissance »

فصل اول

تابعیت اولیه نسبی « N. d, origine familiale »

۲۶) اصول تابعیت اولیه در ایران بقرار ذیل در ماده ۷۶ قانون مدنی مذکور است:

« اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند : »

« ۱ - کلیه ساکنین ایران باستثنای اشخاصیکه تبعیت خارجی آنها

مسلم باشد . تبعیت خارجی کسانی مسلم است . که مدارك تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد . »

« ۲ - کسانیکه پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در خارجه متولد

شده باشد . »

« ۳ - کسانیکه در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم

باشد . »

« ۴ - کسانیکه در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنان

در ایران بوجود آمده متولد شده باشند . »

« ۵ - کسانیکه در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده

بلافاصله پس از رسیدن بسن هیجده سال تمام لا اقل يك سال در ایران

اقامت کرده باشند و الاقبولشدن آنها بتابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد

بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است »

« ۶ - هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند »

« ۷ - هر تبعه خارجی که تابعیت ایرانرا تحصیل کرده باشد . »

تبصره - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵

نخواهند بود»

قانون تابعیت سال ۱۲۷۴ شمسی ایران (هنگام خود مختاری اروپائیاها)

چنین بود :

« ماده اول - تمام افراد متولد در ایران تبعه ایرانی شناخته میشوند.»

از روی بندهای ۱ و ۳ و ماده ۹۷۶ و ماده اول قانون ۱۲۷۴ معلوم میشود که قسمت عمده اساس تابعیت ایرانی بر اصل خاک است و تابعیت ایرانی بر اصل خون و نصب تقریباً در بندهای ۲ و ۴ ماده ۹۷۶ فوق الذکر درج شده است.

(۲۷) - بند ۲ بقسمی که ملاحظه میشود تابعیتی است. بر اساس خون و کاملاً سیاسی و مستقل از محل تولد است. این نوع تابعیت ظاهراً در تمام کشورها مورد قبول و بکار بسته میشود. لیکن در مورد همین ماده است که اشکال تعدد تابعیت بوجود میآید چه:

مثلاً اگر به بچه ایرانی و یا فرانسوی (بند ۱ ماده ۱. قانون تابعیت فرانسه) که در کشور خارجه متولد میشود بر طبق قوانین فوق تابعیت ایرانی و فرانسوی اعطاء شود و از طرف دیگر بر طبق قانون کشور محل تولد تابعیت سرزمینی اجباری و تحمیل شود ناچار طفل دارای دو تابعیت میشود قانون ایران اشکال فوق را حل کرده و در ماده ۹۷۸ چنین مقرر میدارد:

«ماده ۹۷۸ - نسبت با طفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده اند که در مملکت آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را بموجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را بتابعیت ایرانی منوط با اجازه میداند معامله متقابل خواهد شد.»

بند ۴ ماده ۹۷۶ تابعیتی کاملاً مستقل از مبنای نژادی را ارائه میکند باین معنی که فقط بخاطر اینکه پدر ایرانی است تابعیت ایرانی اعطاء میکند حال پدر مزبور تازه ایرانی شده باشد یا در اصل ایرانی و از نسل بیعارضه داریوش باشد فرقی نمیکند.

۲۸) نسبت بند ۴ بالا که در قوانین اغلب ملل نظیر دارد یک ابهام و یا بعبارة آخری یک سؤال توسط مصنفین علم حقوق طرح میشود و آن اینکه در این مورد آیا تابعیت ابوی هنگام انعقاد نطفه مورد توجه است و یا هنگام تولد طفل بنظر ما چنین سؤال یا ابهامی اصولاً مورد ندارد زیرا:

بناب تعریف قبلی (نمرات ۱۰ و ۱۱) تابعیت دو گونه است یکی «هنگام تولد» که بآن تابعیت اولیه نیز اطلاق میشود و مبتنی بر اصل خون است و دیگری «بعد از تولد» که آنرا تابعیت مشتق هم نامیده و در موارد متعدده توسط دولتها اعطاء میشود پس باین ترتیب فرض تابعیت قبل از تولد محتملی نخواهد داشت.

باضافه چنانچه در این مورد تابعیت را هنگام انعقاد نطفه ملحوظ دارند چه بسا دوگانگی تابعیت بوجود میآید باین معنی که فرض میکنیم:

۱ - پدری هنگام انعقاد نطفه طفل خود خارجی بوده و موقع تولد او ایرانی شده است در این صورت طفل خارجی است زیرا پدرش زمان انعقاد نطفه خارجی بوده است.

۲ - پدری هنگام انعقاد نطفه طفلش ایرانی و موقع تولد او بعللی ترک تابعیت کرده و خارجی شده است در این مورد طفل باعتبار زمان انعقاد نطفه ایرانی است.

و از اینجا اختلاف تابعیت غیر قابل قبولی بین پدر و فرزند او بوجود میآید. پس ناچار برای رفع این مشکلات بایستی تابعیت اصل خون را فقط هنگام تولد ملحوظ داشت و نه قبل از آن.

قانون ایران ظاهراً موضوع را واضح تشخیص داده و با سکوت خود و همچنین با حمله «بوجود آمده‌اند» آخر بند ۴ قبول کرده است که این نوع تابعیت مربوط بزمان تولد است نه قبل از آن .

(۲۹) بند ۵ ماده ۹۷۶ ناظر با طفالی است که در ایران از پدر خارجی بدنیا آمده و پس از رسیدن بسن بلوغ (ایران ۱۸ فرانسه ۲۱ سال) تائیکسال حق اختیار تابعیت پدر یا محل تولد خود را دارند .

ضمناً قانونگذار برای اثبات آنکه تابعیت امتیاز و عطیه است که بانها تفویض میکند در آخر ماده بیان داشته است که بعد از گذشت مدت یکسال قبولشدن آنها بتابعیت ایران برطبق مقررات خاص خواهد بود .

(۳۰) چون در قوانین تمام کشورها امتیاز ریاست خانواده را به پدر داده‌اند از اینرو در مورد تابعیت اصل خون اکثراً تابعیت پدر را در نظر گرفته و به اولاد او منتقل میکنند . باتوجه باینمطلب اطفال کلیه ایرانیانیکه جلای وطن کرده و بمهاجرت رفته‌اند کماکان ایرانی باقی میمانند و بایستی وظایف خود را نسبت بکشور اولیه اجرا نمایند مگر در مورد کشورهاییکه ماده ۹۷۸ ق . م بیان داشته است .

(۳۱) نواقص و خلاء قانون فعلی در مورد تابعیت نسبی - بدیهی است که

هیچ قانونی نمیتواند بمعنای واقعی کلمه جامع و کامل باشد زیرا عوامل و خصوصیات بسیاری از قبیل زمان و مکان معتقدات و مقتضیات تعلیم و تربیت و اندازه سواد و معلومات مقنین در آن مؤثر میباشد . لیکن این اصل نیز بسیار مهم و لازم الرعایه است که هیچ قانونی نباید توأم با فراموشی و اشتباه و گنگی و ابهام بوده و بر مردم حکومت کند . اینک ببینیم نواقص کدامند؟

(۳۲) اول - عدم رعایت حقوق زنان . کاری بصحت و سقم اینمطلب نداریم که در زمان قانونگذاری موضوع تابعیت دانسته یا ندانسته رعایت حقوق حقه زنان بعمل نیامده و حتی منافع سیاسی کشور را نیز نسنجیده‌اند

ولی باید صریحاً بیان کنیم که معتقدات مذهبی و مقتضیات زمان در اینمورد بکلی بی پایه و اساس بوده و هست زیرا همه میدانند که شریعت اسلام نسبت بسایر قوانین و ادیان حقوق و امتیازات نسوان را بحد اعلا رسانیده و مقرر داشته است .

(۳۳) بند ۲ ماده ۹۷۶ مصرح است باینکه:

« کسانیکه پدر آنها ایرانی است اعم از تولد در ایران یا خارجه

ایرانی هستند . »

در این بند معلوم نیست چرا قانونگذار بتابعیت مادر طفل را عامداً ملحوظ نداشته است

صحیح است که پدر بر حسب قانون و عرف و عمل مسئول اداره زندگی و رئیس خانواده است ولی در موضوع تابعیت دلیلی نیست که آنرا نادیده انگاشت . و تازه اگر تابعیت مادری تحت الشعاع تابعیت پدر قرار دهیم باز تفکیک صریح و بی اثر گذاشتن تابعیت مادر محملی ندارد

از اینها گذشته موارد متعدده‌ای پیدا میشود که بایستی تابعیت مادر را در نظر گرفته

و طفل را از این لحاظ بمشارالیه منتسب نمود .

۲۴) الف - مورد ماده ۱۱۶۵ و ۱۱۶۶ ق. م.

ماده ۱۱۶۶ چنین بیان میدارد:

« ماده ۱۱۶۶ - هرگاه بواسطه وجود مانعی نکاح بین ابوبن طفل باطل باشد نسبت طفل بهریک از ابوبین که جاهل بوجود مانع بوده مشروع و نسبت بدیگری نامشروع خواهد بود. »

حال فرض کنیم که چنین ازدواجی صورت گرفته و در کشور خارجی مانع کشف و طفل بدنیا آمد و بعلمت جهل مادر طفل نسبت باو مشروع و نسبت به پدر نامشروع شده است. آیا تابعیت چنین طفلی چه خواهد بود

چه برطبق ماده ۱۱۶۷ ق-م طفل به پدر تعلق نمیگیرد. و در مورد مادر هم قانون ساکت است. و نوزاد هم در کشور خارج متولد شده است. پس ملاحظه میشود که قانونگذار چنین نوزادانی را به کشورهای خارج هدیه فرموده است!

« ماده ۱۱۶۷ ق. م. طفل متولد از زنا ملحق بزانی نمیشود. »

ممکن است محققین با احاطه کامل بقانون و موشکافی زیاد ایراد ما را وارد ندانسته و بگویند با اتکاء بماده ۹۶۴ ق. م میتوان روابط طفل را بمادر سوق داده و تابعیت مشارالیه را باو بدهند.

« ماده ۹۶۴ ق. م. روابط ابوبن و اولاد تابع قانون دولت متبوع

پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط بمادر مسلم باشد که در اینصورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود. »
بنظر ما توسل باین ماده و جستجوی راهحلی ازین طریق فائدهای ندارد. زیرا:

اولاً - از خود ماده و مواد اطراف آن بخوبی برمیآید که موضوع مربوط بخارجیان است و نه ایرانی.

ثانیاً - ماده از روابط بین طفل و ابوبن صحبت میکند و روابط هم داخل در حقوق خصوصی است و نه حقوق عمومی و سیاسی و حال آنکه تابعیت بنا بر تعریف (آخر نمره ۶) موضوعی است کاملاً سیاسی و جزء ارکان حقوق عمومی و یک عنصر حقوق اساسی است.

ثالثاً - ماده مزبور روابط بین طفل و مادر را تابع قانون دولت متبوع مادر میکند و در کشور ما متأسفانه قانونی برای تابعیت نسبی مادر وجود ندارد که بان استناد کنیم!

۳۵) ب - مورد فقدان اوراق هویت.

موضوع نداشتن اوراق هویت و بی اهمیتی در حفظ آنها هنوز در دنیا زیاد و در کشور ما خاصه حدود کرمان و بلوچستان مردم بی شناسنامه و جاهل بهمه چیز و عاری از هر چیز زیاد پیدا میشوند (۱)

۱ - نظر بتحصیلات خاصه و متمادی در رشته علوم جغرافیائی در فرانسه و تخصص در ژئودزی و نقشه برداری در سالهای ۵ - ۱۳۳۴ نقشه برداری تمام کشور از طرف اداره آمار بمنظور سرشماری کامل مملکت باینجانب محول شد و در حدود مدت نسبتاً کوتاهی با ۴۰ اکیپ انجام شد.

حال فرض میکنیم جفتی توسط ملای دهی بعقد یکدیگر درآمده و بعد با وسائلی بخارج کشور رفتند و شوهر فوت کرده است. طفلی که چندماه دیگر متولد میشود تکلیفش معلوم نیست. چه از تابعیت پدر بعلت ناشناس بودنش محروم است و تابعیت مادر نیز (بفرض اینکه اوراق هویت هم دارا باشد) باو داده نمیشود زیرا قانونگذار آنرا اجازه نفرموده است.

۳۶) ج - مورد تعصبات فردی یا خانوادگی

این مورد فراوان است فرض کنیم:

اول . . . زن ایرانی در خارج کشور بایک مرد مسلمان خارجی و بر طبق قوانین و شریعت اسلام ازدواج کرده ولی آنرا به ثبت نرسانیده است. حال اگر شوهر قبل از تولد طفل فوت کند و مادر مثلاً برای حفظ حیثیت خانوادگی خود از لحاظ تشخیص و قایل و تمول که تناسبی با مال شوهر خود نداشته از معرفی او صرف نظر کند و با اینکه مدارک هویتی برای او نداشته باشد که معرفی او در اینصورت تکلیف طفل متولد از چنین زوجی چه خواهد بود

دوم - در مورد اطفال غیر مشروع

اطفال نامشروع فقط در صورتی که در ایران متولد شوند و آنهم پدر و مادر آنها هر دو نامعلوم باشند ممکن است با توسل به بند ۳ ماده ۹۷۶ مذکور از تابعیت ایران برخوردار شوند. لیکن:

اولاً.. بفرض آنکه پدر و مادر طفلی نامعلوم باشند دلیل آن نیست که طفل بیچاره هم نامشروع بوده باشد

ثانیاً.. مفهوم مخالف بند ۳ مزبور و سکوت قانونگذار در جاهای دیگر قوانین معلوم میکند که اگر چنین اطفال بیگناهی « که بعلت بیوجدانی و حیوان صفتی مادر و اکثرأ پدر و یا هر دو ننکین و مطرود و حتی محروم از ارث (م ۸۸۴ ق. م) بدنیا میایند » در کشورهای خارج متولد شوند ایرانی نبوده و این کشورها تعلق پیدا میکنند. و یا اگر همین اطفال در ایران بدنیا آمده و فقط دارای مادر معلوم الهویه ای باشند باز هم بر طبق همان قانون نمیتوانند تابعیت ایرانی دارا شوند زیرا محققاً متولد از زنا شناخته شده و از تابعیت پدر بعلت شمول ماده ۱۱۶۷ ق. م. استفاده نمیکند و تابعیت مادر هم که در قانون ملحوظ نگردیده است.

باید توجه کرد که با انحطاط اخلاقی روز افزونی که در تمدن امروز بشر حکمفرما است جلوگیری از بوجود آمدن اطفال نامشروع جز با مشیت خداوندی و اراده آهنین وی رودر بایستی زعمای قوم امکان پذیر نخواهد بود

پس با در نظر گرفتن این مطلب واضح که تابعیت موضوعی کاملاً سیاسی و یکلی

در آن موقع خود شاهد و ناظر اوضاع بودم و معرین و متمدین پاره نقاط تعریف میکردند که چگونه ایرانیان نزدیک مرز متدرجاً جلای وطن کرده و بکشورهای افغانستان و پاکستان رفته و در آنجا مقیم دائم می شوند و اقدامی در استرداد و اعاده آنها بعمل نمی آمد.

گزارش مبسوطی در این باره ادارات مربوط دادم و از آن پس نه دیدم که چه شد و نه دانستم که خبری شده باشد!

غیرمربوط بادین و مذهب است و نیاستی ایتقبیل افراد را که از جهت جمعیت و امار مورد لزوم مملکت است از نظر قانون علیه ارث اجنبی دانسته مفت و رایگان از دست داد. چنانکه بند دوم از ماده ۹۷۷ در این مورد بطور مطلق چنین مقرر داشته است:

«کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از تولد در ایران یا در خارجه . . . ایرانی هستند و بایستی بآنها تابعیت ایرانی داد.

چه که جمله قانون اعم و شامل طفل مشروع و نامشروع هر دو میباشد.

تبصره ۲ - در مورد تابعیت نسبی بطور کلی نقص دیگری هم در ماده ۹۷۶ (که معرف انواع تابعیت است) موجود میباشد.

باین معنی که چنانچه در فصول آتیه مطالعه خواهد شد تابعیت نسبی شقوق متعدده دارد از قبیل: اطفال مشروع و نامشروع و تشرعی و حال آنکه این قانون فقط شامل اطفال مشروع است.

سوم - خلاء قانون در مورد معلق بودن تابعیت

دومورد پیدا میشود که تابعیت پدر طفل معلق طفل بلا تکلیف میماند.

(۱) - چنانکه در سبخت تغییر تابعیت خواهیم دید تغییر تابعیت شخص مانند تمام امور و مسائل اداری و دولتی موقعی عملی میشود که واقعاً به ذینفع ابلاغ شده باشد بدیهی است برای رسیدن به این نتیجه بایستی مراحل مختلفه دیگری (از قبیل دادن تقاضا و ضمائم و انجام تشریفات اداری و تشکیل هیئت وزراء و تصویب اعضاء هیئت و صدور تصویبنامه و غیره) نیز طی شود.

حال فرض شود که نظریه هیئت وزراء در این مورد موافق شخص ذینفع بوده ولی هنوز تصویبنامه صادر نشده است.

و یا بالعکس حکم صادر شده ولی هنوز بدست ذینفع نرسیده است. در چنین وضعی متقاضی تابعیت فوت میکند. تکلیف طفل متعلق با او چه میشود

(۲) - در مورد بند ۵ ماده ۹۷۶ مذکور که ناظر باطفال متولد از اتباع خارجی در ایران است نیز حالتی مانند نمره ۱) بالا بوجود میاید باین معنی که اطفال مزبور پس از رسیدن بسن قانونی (ایران ۱۸ و فرانسه ۲۲ سال) تا مهلت معینی حق اختیار تابعیت پدر یا تابعیت محل تولد خود را دارا میباشند.

حال چنانچه ایتقبیل اشخاص که در سنین مذکوره استعداد و قدرت ازدواج را دارند متاهل شده و در فاصله زمانی مهلت اختیار تابعیت فوت کنند تکلیف اولادان آنها چه میشود آیا باید تابعیت پدر را که خود در آن زمان معلق بوده است بآنها تفویض کرد

یا تابعیت پدر بزرگ

و یا بالاخره تابعیت کشور محل تولد را

۳۹) حقوق مقائسه

قبلا (نمره ۲۰) گفته شد که قانون فرانسه بسیار کامل و دقیق و گویاست ولی هیچ قانونی نمیتواند فی نفسه برای مدت زیادی کامل و بی نقص بماند علت آنست که تکامل قانون

تدریجی بوده و وابسته به توسعه تمدن ملل میباشد و این توسعه هیچ وقت متوقف نمیشود بنابراین دقت و کمال قانون فرانسه هم نسبی و خالی از عیب و نقص نیست.

مثلاً بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون ایران کسانی را که پدرانها ایرانی و در ایران متولد شده باشند ایرانی میشناسند. ولی قانون فرانسه ظاهراً توضیح محل تولد را زائد دانسته و در بند ۱ ماده ۱۷ خود چنین تصریح کرده که :

« فرزند شرعی از پدر فرانسوی خود فرانسوی است »

بنظر ماسکوت قانون فرانسه در این مورد نواقصی بهار میاورد که برای جلوگیری از طول کلام از ذکر آنها خودداری میشود.

لیکن ناگزیر از بیان این مطلب میباشیم که تعصب قانون فرانسه در مورد افرادی که رابطه و علقه کمی هم با آن آب و خاک دارند بعدی زیاد است که با مقررات بین المللی معروضه (نمره ۷) تباین و با قوانین بسیاری از ممالک تعارض دارد مثلاً :

ماده ۱۹ بند ۱ چنین مقرر میدارد :

« اشخاص ذیل فرانسوی هستند . فقط کسانی که در فرانسه متولد نشده اند میتوانند در ظرف شش ماه قبل از بلوغ تابعیت فرانسه خود را رد کنند .

اول - اطفال شرعی که از مادر فرانسوی و پدر خارجی بدنیا آمده اند .»

ملاحظه میشود که این ماده چه بی قید و شرط بوده و با منتهای استفاده از حق حاکمیت خود و بدون توجه بقوانین سایر کشورها کلیه اطفالی را که در هر کجای دنیا در اثر ازدواج مشروع با یک مادر فرانسوی بوجود آمده اند فرانسوی میداند .

حال اگر فی المثل یکی از این افراد بخواهد خدای نخواسته از تابعیت مادر خود صرف نظر کند تازه نمیداند کدامیک از دو تابعیت زمینی کشور محل تولد و یا تابعیت نسبی پدر قانونی و شرعی خود را انتخاب کند .

نکته دیگر این ماده آنکه معلوم نیست مراد قانونگذار از اطلاق کلمه (خارجی) به پدر قانونی طفل کدام است ؟ باین معنی .

(- یک مورد خارجی آن است که بچه از پدر غیر فرانسوی در کشور ثالثی (غیر از کشور متبوع پدر) متولد شود . در این صورت همان اشکال ایجاد شده و طفل گمراه میشود .

(- مورد دیگر خارجی آنست که مثلاً طفل از پدری حبشی و مادر فرانسوی در کشور حبشه متولد شود . در این صورت چگونه تصور این مطلب برای قانون فرانسه موجود است که یک طفل حبشی الاصل متولد در خاک حبشه را با اتکاء فرانسوی بودن مادر او فرانسوی دانست . پس ناچار اجراء چنین قانونی ممکن نیست و این عدم امکان عملی خود نقص بزرگی برای قانون است که با ماده ۱ تصمیمات انستیتوی حقوق بین الملل (بند ۳ نمره ۷) منافات کامل دارد .

در هر حال و بهر صورت قانون فرانسه صرف نظر از تعصب و افراطی بودن آن در این مورد کامل و شامل کلیه افرادی میشود که حتی رابطه بسیار کمی هم با آن کشور دارند و تکلیفشان را روشن میکند .